

The Relations of External Entities and Fixed (Eternal) Entities based on Ibn Arabi's Theory

Shojaa Kianpoor *
Jalil Moshayedi **

Abstract

The theory of the Ayan Sabitah (Fixed Entities) is one of the ideas of Ibn Arabi in the field of mystical mysticism, which explains many other teachings, such as God's knowledge of the details, the issue of Predestination, Good and Evil, Unity of The Divine Acts, and the theory of the unity of existence. It is the scientific manifestation of the names and traits of God and the creation of beings along with effective destinies with them. From the point of view of Ibn Arabi, after the state of inherent oneness, in the rank of unity, all divine names and their attributes and forms appear in the knowledge of God. Accordingly, in the rank of unity, due to the plurality of names and the traits of the truth, the plurality of scientific forms of the creatures appear in the Hazrat-e-Elmieh. The external manifestation of the creatures after the foundation of the object occurs through the sacred grace of God, and after that, the existential object of creatures is manifested. In this article, it is determined that God's knowledge of the beings is not restricted to fixed entities towards creation and before it. But, in the fixed (eternal) entities of the beings, there exists the knowledge about their way of life and destinies of their eternal life. The purpose of this research is to reveal the active and continuous connection between External Entities and Fixed (Eternal) Entities. The acts and behaviors and the ethics of the fixed entities of human beings are capable of changing in many of the predictions in them. Consequently, there is a mutually active interaction between external beings and fixed entities. This, while denying absolute determinism of the mysticism, exemplifies the role of man's power in mapping his fate and changing his destiny. The methodology of this research is descriptive-analytical based on the documentary method and based on content analysis. In this study, based on the interpretive language, it becomes clear that a two-way relationship of the language and the concepts of the mind is present about True Lords and Foreign Lords.

Keywords

Ibn 'Arabi, Fixed (Eternal) Entities, External Entities, Fate.

* PhD Candidate, Literary and Persian Language Department, Faculty of Literature & Humanities, Arak University, Arak, Iran

** Professor, Literary and Persian Language Department, Faculty of Literature & Humanities, Arak University, Arak, Iran

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

سال دوازدهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۳۹۷ صص ۶۶-۲۹

رابطهٔ اعیان خارجی و اعیان ثابتة بر پایهٔ نظریهٔ ابن عربی

شجاع کیانپور* - جلیل مشیدی**

چکیده

اعیان ثابتة یکی از نظریه‌های ابن عربی در حوزهٔ جهان‌شناسی عرفانی است که عامل تبیین معارف بسیار دیگری مانند شیوهٔ علم خداوند به جزئیات و مسئلهٔ قضا و قدر و خیر و شر و توحید افعالی و نظریهٔ وحدت وجود است. اعیان ثابتة مظاهر علمی اسماء و صفات خداوند و پیش‌زمینهٔ خلقت موجودات و مقدرات مؤثر همراه آنان است. از نظر ابن عربی پس از مرتبهٔ احدیت ذاتی در مرتبهٔ واحدیت، همهٔ اسماء الهی و لوازم و صور آنها در علم خداوند ظاهر می‌شود. بر این اساس در مرتبهٔ واحدیت به واسطهٔ کثرت اسماء و صفات حق، کثرت صور علمی موجودات در «حضرت علمیه» ظهور می‌یابد. تجلی خارجی موجودات بعد از شیئیت ثبوتی به واسطهٔ فیض مقدس خداوند اتفاق می‌افتد و شیئیت وجودی موجودات تجلی می‌یابد. در این مقاله مشخص می‌شود که علم خداوند به موجودات بر پایهٔ اعیان ثابتة به خلقت و پیش از آن محدود نمی‌شود؛ بلکه در عین ثابت موجودات، علم به شیوهٔ زندگی و حیات آنها و مقدرات طول زندگی و حیات اخرویشان نیز وجود دارد. هدف این پژوهش آشکارکردن پیوند و ارتباط فعال و مداوم بین اعیان خارجی و اعیان ثابتة است. اعمال و رفتار و اخلاق وجود خارجی اعیان ثابتة انسان‌ها قابلیت تغییر در بسیاری از مقدرات پیش‌بینی شده در عین ثابت آنها را فراهم می‌آورد؛ در نتیجه یک تعامل دوسویه و فعال بین موجودات خارجی و اعیان ثابتة برقرار است که ضمن انکار جبرگرایی مطلق از ساحت عرفان، نقش اختیار انسان را در ترسیم سرنوشت خود و تغییر مقدرات به نمایش می‌گذارد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بر مبنای روش اسنادی و بر پایهٔ تحلیل محتواست. در این پژوهش بر پایهٔ زبان تأویلی روشن می‌شود ارتباط دوسویهٔ زبان و مفاهیم ذهنی دربارهٔ اعیان ثابتة و اعیان خارجی نیز برقرار است.

واژه‌های کلیدی

ابن عربی؛ اعیان ثابتة؛ اعیان خارجی؛ تقدیر

* دانشجوی دکتری ادبیات و زبان فارسی دانشگاه اراک، اراک، ایران sh.kianpoor1396@gmail.com

** استاد ادبیات و زبان فارسی دانشگاه اراک، اراک، ایران j-moshayedi@araku.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۴/۲۶

تاریخ وصول ۱۳۹۶/۱۲/۸

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسئله و مبانی نظری

اصطلاح اعیان ثابته متشکل از اعیان و ثابت است. «اعیان» جمع عین به معنی ذات، وجود و حقیقت هر چیز و «ثابت» نیز به معنی ثابت در علم خداوند است. هرچه در نزد پروردگار وجود دارد، ثابت و باقی و لایزال است و هرچه در عوالم مخلوقات است، فناپذیر و نابودشدنی و مرگ‌پذیر است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (آنچه نزد شماست فانی می‌شود؛ اما آنچه نزد خداست باقی است) (نحل: ۹۶). قیصری اعیان ثابته را صورت‌های معقول در علم حق تعالی می‌داند (قیصری، ۱۳۷۵: ۶۱). اعیان ثابته حقایق ممکنات و صور علمی اشیاء است که بطونشان همیشگی است؛ آنها شئون مندرج در ذات حق اند (جهانگیری، ۱۳۵۹: ۲۷۰). از نظر ابن عربی تجلی اول حضرت حق یا فیض اقدس او اعیان ثابته را رقم زد. اعیان ثابته همان صور اسماء الهی است که در علم حضرت حق به صورت حقایق موجودات و ممکنات درآمده است. در تجلی دوم یا فیض مقدس، آن صور علمیه به عرصه وجود می‌آیند و از قوه به فعل تبدیل می‌شوند (ابن عربی، ۱۳۸۹: ۶۱۷)؛ پس می‌توان گفت حضرت حق صور علمیه اعیان ثابته را ظاهر کرد و سپس با تجلی دوم با توجه به اعیان ثابته، اعیان خارجیة مخلوقات را پدید آورد. اعیان ثابته امور معقولی هستند که وجود خارجی ندارند؛ اما با وجود خارجی خود در ارتباط هستند و در آنها مؤثرند؛ همچنین از آنها تأثیر می‌پذیرند.

بر این اساس اعیان ثابته را می‌توان برنامه‌ریزی حضرت حق برای همه موجودات دانست. وجود و حقیقت این موجودات به‌طور ثابت در علم خداوند وجود دارد. این محاسبه وجودی موجودات همراه با مقدرات آنها در علم خداوند به صورت همیشگی ثبت است. در مقدرات امکان تغییرات وجود دارد؛ ولی اصل وجود موجودات در عالم علم الهی ثابت است.

اعیان ثابته به دو دسته ممکنه و ممتنع تقسیم می‌شود: اعیان ممکنه افزون‌بر مظاهر علمی، مظاهری خارجی نیز دارد؛ ولی اعیان ممتنع طالب بطون است و هرگز تعیین خارجی نمی‌یابد. اعیان ممتنع جلوه خلقی ندارد و تنها پیامبر (ص) و وارثان او یعنی ائمه علیهم السلام این اسماء و صور را در تعیین ثانی درک می‌کنند. خداوند براساس اسم وهاب و جواد به اعیان ممکنه وجود می‌بخشد. اعیان ثابته جلوه اسماء و صفات الهی اند و به همین سبب مراتبی دارند. اعیان ثابته صور

و ماهیات همه اشیاء و تعینات خلقی در علم تفصیلی خداوند است؛ این اعیان ثابتة را می‌توان هم به شکل کلی و نوعی و هم به شکل جزئی و فردی به صورت اندراجی در یکدیگر تلقی و فهم کرد. از نظر عارفان، اسمای الهی با شدت و ضعف خود، گونه‌های مختلف اعیان ثابتة را در صحنه علم خداوند ظاهر می‌کنند. در عین ثابت و وجود خارجی، اسمای الهی نقش ظاهر و موجودات نقش مظهر دارند. موحد در شرح فصیح حکمت الهی در کلمه آدمی می‌نویسد: «منظور از عین ثابت نوعی همان است که به امور کلی تعبیر شد و به گفته شیخ نسبت آن به امور و مصادیق خارجی یکسان است؛ از طرف دیگر گاهی چنان است که گویی ابن عربی عین ثابت فردی را در نظر دارد و معتقد است که هر موجودی در عین ثابت خاص خود را دارد که به مقتضای آن عین ثابت، اعمال و حرکات و آثار و فعالیت‌هایی از خود بروز می‌دهد» (همان: ۶۱۹). در بیشتر موارد نیز منظور ابن عربی از عین ثابت همان عین ثابت فردی است.

اسم جامع «الله» نخستین و کلی‌ترین اسم حضرت حق است؛ از این رو عین ثابت انسان کامل که مظهر اسم جامع الله است، نخستین عین ثابتی است که در حضرت علمیه ظهور می‌یابد؛ به همین سبب پیامبر (ص) فرمود: «اول ما خلق الله نوری». چون در ازل الازال حضرت حق می‌خواست در مظهري جامع جميع اسماء کلیه و جزئیة خود را مشاهده کند، حقیقت محمدیه و عین ثابت حضرت خاتم‌الانبیاء را نخستین ظهور و نور طالع از غیب‌الغیوب قرار داد، و از این منظر که در این عین ثابتة جميع اسماء و صفات حضرت حق متجلی شده است، عین ثابت محمدی (ص) بر دیگر اعیان ثابتة سمت سیادت مطلقه و شهود را دارد و فیض حضرت حق بر تمام هستی از ناحیه ایشان تحقق می‌یابد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «حقیقت کمال اسمائی جز از طریق ظهور حق در عین ثابت انسان کامل تحقق نپذیرد و کلیه ملایکه سکنه جبروت و ملکوت و عالم شهادت از ابعاض و اجزای این حقیقت کلی جمعی احدی محسوب می‌شوند؛ و حقیقت حق به جميع مظاهر و اسماء، حاکم بر مظاهر عالم است» (خمینی، ۱۳۸۶: ۳۳).

در مبحث اعیان ثابتة، صدرالدین قونوی حدیث قدسی «كنتُ كنزاً مخفياً فأحببتُ أن أعرف فخلقتُ الخلقَ لكي أعرف» را دلیلی نقلی بر این موضوع می‌داند. از نظر او گنج مخفی همان اسماء الهی و صور علمی موجودات است؛ همچنین حدیث منسوب به پیامبر (ص) را که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فِي ظُلْمِهِ ثُمَّ رَشَّ عَلَيْهِمْ مِنْ نُورِهِ»، به این شکل تفسیر کرده است که منظور از

«ظلمت»، مرتبه اعیان ثابت و تعیین مقدرات پیش از خلقت آنها و مرتبه «نورپاشی» تجلی وجودی و اعیان خارجی آنهاست (صدرالدین قونوی، ۱۳۷۱: ۲۲۸). باید توجه داشت که وجود اعیان ثابت قبل از خلقت اشیاء، بدون برنامه و اندازه گیری آن موجود و اراده آن غیرممکن است. فاعل باید ابتدا شیء و ویژگی های آن را مقدر کند تا آن چیز از عدم بازشناخته شود و در مرحله بعد، آفرینش آن ممکن می‌شود.

منظور از اینکه گفته می‌شود اعیان ثابت در عدم هستند، عدم محض نیست؛ بلکه عدم خارجی است. اعیان ثابت ثبوت علمی در صقع ربوبی دارند؛ ولی از نظر وجود خارجی معدوم هستند؛ یعنی خود آنها هیچ‌گاه به عرصه وجود نمی‌آیند. عین خارجی مخلوقات در زمان خلقت و پس از مرگ و رستاخیز با اعیان ثابت خودشان ارتباط دارد و هیچ‌گاه این ارتباط و علم حضرت حق به آنها منقطع نمی‌شود. باید توجه داشت که اعیان خارجی مظهر اعیان ثابت هستند و بنابر وحدت ظاهر و مظهر می‌توان گفت دارای این همانی هستند؛ همچنین وحدت حق و خلق در این راستا تفسیرپذیر است؛ زیرا اعیان ثابت مظهر اسماء حسناى خداست و چون اسم عین مسمی است، جهان و اعیان خارجی نیز از نظر ابن عربی چیزی جز جلوه تفصیلی خداوند نیست (کاکائی، ۱۳۸۱: ۵۷۴).

۲-۱ پیشینه و ضرورت پژوهش

ابن عربی برای نخستین بار اصطلاح اعیان ثابت را وضع کرد. عارفان و فیلسوفان پیرو نظریه‌های ابن عربی پس از او برای مسائل مربوط به آفرینش و تجلی الهی و علم خداوند و اسماء و صفات حضرت حق از این اصطلاح استفاده کردند. پیروان رمزگشای ابن عربی - افرادی مانند قونوی و جندی و فرغانی - مسائل آن را تشریح کردند. شارحان فصوص الحکم نیز، مانند کاشانی و قیصری، به دست‌بندی این نظریه کمک شایانی کردند. سرانجام نیز *تقدّم النصوص* نتیجه تلاش چند قرن محققان را در خود جمع کرد. در قرون بعد با آمیزش عرفان و فلسفه در معارف شیعی، حکمت متعالیه ملاصدرای شیرازی زوایای دیگری از این نظریه را آشکار کرد. اعیان ثابت یکی از مسائل مهم هستی‌شناسی اسلامی است که در حوزه فلسفه و کلام و عرفان راه یافته است. در چند سال اخیر نیز درباره اعیان ثابت پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه و طرح پژوهشی انجام شده که از آن جمله است: بررسی تطبیقی اعیان ثابت نزد ابن عربی با آیات و روایات (معظمی گودرزی، ۱۳۹۵)؛ اعیان ثابت از دیدگاه ابن عربی و امام خمینی^(س) (سهیلی، ۱۳۹۲)؛ بررسی تطبیقی ثبوتات ازلی در

نزد معتزله، صور مرتسمه در نزد ابن سینا و اعیان ثابتة در نزد ابن عربی (بدری، ۱۳۹۱)؛ اعیان ثابتة در آثار شبستری (شجاع تقی آباد، ۱۳۹۰)؛ همچنین چند مقاله با موضوع اعیان ثابتة نیز در مجله های مختلف انجام شده است؛ مانند «بررسی اعیان ثابتة و صور مرتسمه همراه با نقد ایرادات ملاصدرا به صور مرتسمه» (ایرجی نیا و حسنی، ۱۳۹۷)؛ «اعیان ثابتة از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا» (شجاری، ۱۳۷۹) و... . بر پایه این مطالعات و جستجوها تاکنون درباره آنچه در این مقاله بیان می شود، پژوهش مستقلی ارائه نشده است و بیشتر پژوهشگران به مقایسه مشترکات و تفاوت های نظریه اعیان ثابتة ابن عربی با دیگر اندیشمندان پرداخته اند. این پژوهش با پرداختن به علم پیشین حق به مخلوقات با استناد به نظریه اعیان ثابتة، بسیاری از مشکلات متفکران معارف توحیدی را - از جمله محال بودن تعلق علم به معدوم - حل می کند و از سوی دیگر با تبیین ارتباط دوسویه اعیان ثابتة با اعیان خارجی، مسئله اختیار انسان و تأثیر او در مقدرات را پس از خلقت برای خوانندگان روشن می کند؛ همچنین انجام این پژوهش در راستای غنی سازی تحقیقات دیگر پژوهشگران در حوزه ابن عربی شناسی مؤثر خواهد بود.

۲- شیئیتِ ثبوتی و شیئیتِ وجودی

بر پایه نظریه اعیان ثابتة، از دیدگاه ابن عربی وجود را می توان به دو نوع تقسیم کرد: وجود اول در صقع ربوبی و در صحنه الهی و وجود دوم در خارج از صقع ربوبی و در عوالم هستی است که بین آنها ارتباطهایی وجود دارد؛ درحقیقت، وجود اول برنامه ریزی علمی برای وجود حقیقی دوم است که ابن عربی برای نام گذاری آنها از دو اصطلاح «شیئیتِ ثبوتی» و «شیئیتِ وجودی» استفاده می کند. این دو اصطلاح برگرفته از قرآن کریم است؛ آنجا که می فرماید: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (وقتی چیزی را اراده می کنیم، فقط به آن چیز می گوئیم باش پس موجود می شود) (نحل: ۴۰). خداوند در این آیه از اصطلاح شیء برای وجودی نام می برد که هنوز موجود نشده است. ابن عربی این شیئیت را شیئیتِ ثبوتی اشیاء در علم حضرت حق می داند و وقتی این شیء در هستی وجود خارجی بیابد به آن شیئیتِ وجودی می گوید. البته از نظر ابن عربی اعیان در علم حضرت حق ثابت و متکثر هستند و نباید آنها را مانند ماهیت و یا کمالات وجودی دارای تحقق اجمالی دانست. فناری در مصباح الانس در شرح این دو اصطلاح می گوید: «أَنَّ الْوُجُودَ الْعَيْنِيَّ

يُسَاوِقُ شَيْئِيَّةَ الْوُجُودِ وَالْوُجُودِ الْعِلْمِيَّ يُسَاوِقُ شَيْئِيَّةَ التُّبُوتِ» (همانا وجود عینی مساوق شیئییت وجودی و وجود علمی مساوق شیئییت ثبوتی است) (فناری، ۱۳۶۳: ۶۱).

۱-۲ شیئییت ثبوتی معین‌القدر

اعیان ثابت‌ه در صقع ربوبی و بی‌بهره از وجود عینی هستند؛ ولی به سبب آنکه افاضه حق تعالی به موجودات تابع علم او به اعیان ثابت‌ه است، در تفکر ابن‌عربی نقش مهمی دارند (رحیمیان، ۱۳۷۶: ۲۰۵). به نظر می‌رسد همان‌گونه که اشیاء در علم حضرت حق و قبل از خلقت، شیئییت ثبوتی داشته‌اند، برای آنها برخی مقدرات نیز در نظر گرفته شده باشد؛ زیرا تفاوت مقدرات عامل تمایز عین ثابت فردی اشیاء و موجودات است؛ برای نمونه عین ثابت یک انسان در علم حق تعالی فارغ از تعیین زمان تولد و مکان و ویژگی‌های فیزیولوژیکی مخصوص و پدر و مادر و ... قابل شناسایی از دیگر اعیان ثابت‌ه انسان‌ها نیست. مقدرات برای موجودات پیش از آفرینش به معنای تعیین حدود و اندازه و ویژگی‌های آنهاست. بر این اساس علم خداوند را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: علم به ذات خود به صورت حضوری؛ علم به مخلوقات پیش از آفرینش (اعیان ثابت‌ه)؛ علم به مخلوقات پس از آفرینش (اعیان خارجی).

بر پایه علم خداوند، مقدرات را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ دسته‌ای از مقدرات قبل از خلقت هر چیز مشخص می‌شود که لازم تفاوت عین ثابت فردی موجودات است. دسته‌ای از مقدرات نیز پس از خلقت و بسته به اعمال و نیت‌ها و دعا‌های افراد برای آنها مقدر می‌شود و در زمان و مکان مشخص به آنها می‌رسد؛ با توجه به آنکه عین ثابت قبل از آفرینش انسان‌ها مشخص شده است، قدر لازمه هر وجودی است تا با آن از غیر خود مشخص و متمایز شود؛ در ضمن قدر عامل محدودیت آن موجود و احاطه خداوند بر او می‌شود؛ در واقع خلقت بدون قدر ممکن نیست؛ زیرا اگر در آغاز خلقت پرسیده شود چه چیزی خلق شود، پاسخ آن ناگزیر بیان حدود و اندازه و ویژگی‌های آن قبل از خلقت است؛ پس برخی از مقدرات به‌طور الزامی پیش از خلقت هر چیز در عین ثابت او وجود دارد؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است) (طلاق: ۳). قدر خصوصیت وجودی و کیفیت خلقت و ظرفیت وجودی هر موجود است که مقارن با آن و تفکیک‌ناپذیر از آن وجود است. درباره تعیین مقدرات قبل از خلقت هستی، از پیامبر (ص) روایت شده است که فرمود: «خداوند پنجاه هزار سال پیش از

آفرینش آسمان‌ها و زمین، حدود و اندازه‌ها را تعیین و تقدیر نمود» (رشاد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۲۹). امام رضا علیه‌السلام نیز شیئیت وجودی اشیاء را به مقدرات قبل از خلقت مشروط می‌داند و می‌فرماید: «لَا يَكُونُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ أَرَادَ وَ قَدَّرَ وَ قَضَى» (چیزی تحقق نمی‌یابد مگر آنچه خدا بخواهد و اراده کند و تقدیر کند و به آن فرمان دهد) (همان، ج ۲: ۲۲۹). علامه طباطبایی در ذیل آیه «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا» (آیا زمان طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکر نبود) (انسان: ۱) می‌فرماید: «یعنی انسان قبل از خلقتش در علم خدا ثبوتی داشت و سپس مخلوقی بالفعل شد و جزو خلایق مذکور شد و در کافی به سند خود از مالک جهنی از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که در تفسیر این جمله فرمود: مقدر بود ولی مذکور نبود» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۱۸). ما اصطلاح «شیئیت ثبوتی معین القدر» را برای اعیان ثابتة به کار می‌بریم تا ارتباط این اعیان با مقدرات پیش و پس از خلقت آنها مشخص شود.

۲-۲ شیئیت وجودی یا اعیان خارجی

در فیض مقدس، وجود عینی موجودات براساس اعیان ثابتة شان از خزانه غیب صقع ربوبی بر عرصه شهود پا می‌گذراند و کسوت وجود حقیقی می‌پوشند. ابن عربی در فصّ شیئیه از گسترش وجود بر اعیان ثابتة با تعبیر «دمیدن فیض رحمانی» یاد می‌کند و شیث را رمز فیض مقدس و اسم وهاب حق می‌داند؛ همان‌گونه که آدم علیه‌السلام را رمز فیض اقدس و مرتبه الهیت حق می‌داند؛ اما پرسش اینجاست که آیا با خلقت موجودات ارتباط آنها با عین ثابتشان قطع می‌شود؟ ابن عربی اعتقاد دارد که عطاها و افاضات حضرت حق به هر موجود در قالب مقدرات و براساس مقتضیات عین ثابت آن موجود است که پس از خلقت نیز ادامه می‌یابد؛ او معتقد است علم حق با عین ثابت موجودات در ارتباط است و عطاها و داده‌های خداوند بر پایه استعداد و قابلیت عین ثابت آن موجودات مقرر می‌شود. ابن عربی در فصّ شیئیه می‌نویسد: «کسی که می‌داند که علم خدا به او، در جمیع احوال، تابع چیزی است که پیش از وجود در عین ثابت او بوده است و می‌داند که داد حق بر حسب علمی است که عین خود او به حق داده، و همان است که او در حال ثبوت خود بر آن بود، پس می‌داند که علم خدا به او از کجا حاصل شده است» (ابن عربی، ۱۳۸۹: ۲۰۴). بر پایه آراء ابن عربی بخشش به هر موجودی بر پایه قابلیت و پذیرندگی و استعداد ازلی و عین ثابت آن موجود است (همان: ۶۳۳).

۳- نقش اختیار در اعیان ثابت

باید توجه داشت که بین عملکرد انسان و بخشش‌های حق ارتباط‌های دنیوی و اخروی محکمی وجود دارد. در باب ارتباط عملکرد انسان با پاداش و عذاب اخروی قضیه کاملاً روشن است و از آن می‌توان به تأثیر عملکرد انسان بر مقدرات اخروی انسان نام برد؛ اما بین عملکرد انسان و اعیان ثابت در همین دنیا نیز ارتباط فعال و دوسویه ای وجود دارد. تأثیر عملکرد انسان بر مقدرات دنیوی را می‌توان در آیات و روایات مختلف پیگیری کرد. مقدرات اعیان ثابت را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: (۱) مقدرات پیش از خلقت اعیان ثابت؛ (۲) مقدرات دنیوی در اعیان ثابت؛ (۳) مقدرات اخروی اعیان ثابت.

این تصور که مقدرات اعیان ثابت تغییرناپذیر و براساس استعداد ازلی است، امید انسان را برای تغییر سرنوشت از بین می‌برد. بعضی از مقدرات به‌طور پیش‌فرض در اعیان ثابت برای حیات دنیوی و اخروی انسان در نظر گرفته شده است که امکان تغییر بعضی از این مقدرات وجود ندارد؛ از این مقدرات ناگزیر و تغییرناپذیر و حذف‌ناشدنی در قرآن به «ام‌الکتاب» یا لوح محفوظ تعبیر شده است؛ اما بسیاری از این مقدرات برپایه اعمال انسان در حیات دنیوی و پیش از تحقق یافتن، قابلیت افزایش و کاهش و حذف را دارا هستند. خداوند در نوشته‌ها و مقدرات موجود در این کتاب‌ها هر وقت بخواهد تغییر ایجاد می‌کند. برپایه آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند و ام‌الکتاب نزد اوست) (رعد: ۳۹) عارفان کتابی را که مقدرات در آن امکان تغییر دارند، «لوح محو و اثبات» نام نهاده‌اند. عالم علم الهی تجلی اول حق است که مخزن حقایق ممکنات و اعیان ثابت است و این حقایق کلی و جزئی خمیرمایه کل عالم امکان است. در شیئیت ثبوتی هر انسان دو لوح شخصی مقدرات محتوم و غیرمحتوم وجود دارد و عملکرد انسان در تغییر مقدرات لوح محو و اثبات تأثیرگذار است.

مقدرات به دو دسته موقوف و محتوم تقسیم می‌شود که در موقوف‌ها امکان محو و اثبات و بدا وجود دارد؛ ولی در مقدرات محتوم امکان تغییر نیست. البته زمانی که این مقدرات به مرحله اجرا و قضا برسد، دیگر بازگشتی در کار نیست. امام صادق (ع) می‌فرماید: «برخی از امور حتمی‌اند و بی‌گمان تحقق می‌یابند و برخی نزد خدا مشروط‌اند و خدا آنچه را بخواهد پیش می‌اندازد و آنچه را بخواهد محو می‌کند و آنچه را بخواهد ثبت می‌کند» (رشاد، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۶۴). تقدم تقدیرات

بر تحقق پدیده‌ها عامل پیوند آنها با اعیان ثابتة است. اعمال اختیاری انسان بیشترین سهم را در تغییر مقدرات غیرحتمی انسان دارد. کارهای ناپسند و گناه و کفر انسان موجب حذف مقدرات خیر و نزول بلا می‌شود و انجام کارهای خیر مانند صلہ رحم، صدقه، دعا و تقدیرات شر را حذف و تقدیرات خیر مانند طول عمر، افزایش روزی، سلامتی و ... را برای انسان مقدر می‌کند؛ برای نمونه امام باقر (ع) می‌فرماید: «صله ارحام اعمال را پاکیزه، اموال را بالنده، بلا را دور و حساب را آسان می‌کند و اجل را به تأخیر می‌افکند» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۲۲).

رابطه انسان با اعیان ثابتة رابطه‌ای دوسویه است؛ ما در چارچوب مقدرات به این هستی وارد شده‌ایم و در مجموعه‌ای از قوانین جهان طبیعی و مجموعه‌ای از قوانین شرعی خداوند قرار گرفته‌ایم. نداشتن ارتباط صحیح با قوانین طبیعی به مشکلاتی برای انسان می‌انجامد. نداشتن تعامل صحیح با قوانین تشریحی نیز موجب نقص در بلوغ استعدادهای عین ثابت و تغییر مسیر مقدرات می‌شود. مدت عمر، روزی، فرزند صالح یا ناصالح و بسیاری از موارد دیگر ارتباط مستقیم و فعالی با قوانین طبیعی و تشریحی دارد. خداوند قبض و بسط‌هایی در زندگی برای هدایت انسان‌ها قرار داده است تا با آنها به زندگی صحیح الهی تشویق شوند؛ اما اگر انسان شقی‌ای عاملان این قوانین را نقض کند و دستورات الهی را تمسخر کند و امیدی به هدایت او در درگاه الهی نباشد، دچار مکر الهی می‌شود. پس خداوند با دو صفت هادی و مضل، بسته به اعمال و اخلاق و عقایدمان، مقدراتی را برای ما در نظر می‌گیرد. خداوند بر پایه صفت‌های خود ممکن است فردی گریزان از حق را به فقر و بیماری و ... دچار کند تا فرد به درگاه خداوند رو آورد؛ این فقر برای او خیر است و یا براساس صفت مضل ممکن است بر ثروت فرد فاجر و گنهکاری بیفزاید که برای او مکر و خسران اخروی را به همراه دارد.

پس اعمال اختیاری دنیوی انسان ارتباط تنگاتنگی با مقدرات دارد و این خود انسان است که سرنوشت خود را برای خود رقم می‌زند. در واقع خداوند انسان را با مقدرات به سعادت یا شقاوت مجبور نکرده است؛ بلکه مقدرات حضرت حق یاریگر انسان در رسیدن به اهداف و آمال دنیوی و اخروی اش است. خداوند در سوره شوری در این باره می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَرْيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصيبٍ» (هرکس که زراعت آخرت را بخواهد، برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن

می‌دهیم و در آخرت او را نصیبی نیست) (شوری: ۲۰).

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد و یا تغییر مقدرات دعاکردن و درخواست از حق تعالی است. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم انسان را به دعاکردن فراخوانده است؛ از جمله می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) و در جایی دیگر می‌فرماید: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (بقره: ۱۸۶). ابن عربی این طلب و خواهش‌ها از خداوند را به سه دسته طلب زبانی و حالی و استعدادی تقسیم می‌کند (ابن عربی، ۱۳۹۰: ۲۰۳). دعا در جایگاه یک عمل عبادی غیرمؤثر ظاهری با تغییر در مقدرات غیرمحتوم، زمینه‌گشایش در زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها را فراهم می‌کند. دعا برای تغییر در آینده صورت می‌گیرد؛ پس مشخص می‌شود که بسیاری از امور در نزد خداوند و انسان قابلیت تغییر دارند؛ در نتیجه زمینه درخواست خداوند از انسان برای دعا علاقه خداوند به تغییر مقدرات به نفع حقیقی انسان است. رابطه اعیان ثابت و وجود حقیقی انسان مانند رابطه جان و تن و رابطه غیب و شهادت است که به‌طور مستقیم و ناملموس در ارتباط هستند. انسان با اختیار خود به اعمالی دست می‌زند، آن اعمال نیز جذب‌کننده و تغییردهنده مقدرات به نفع و یا به ضرر انسان می‌شود. اندیشه قرآنی و عرفان حقیقی انسان را موجودی در فضایی آمیخته از مقدرات و اختیار می‌داند که بسیاری از آن مقدرات نیز به سبب عملکرد انسان برای او به وجود آمده است.

۴- شهود اعیان ثابت توسط انسان

آدم، اشرف مخلوقات و آینه تمام‌نمای اسماء و صفات الهی، برای دریافت فیوضات حضرت حق در عالم هستی بیشترین قابلیت را دارد. ابن عربی این اهلیت و قابلیت را به سبب ارتباط سه‌گانه انسان با خداوند، حقیقه الحقایق و طبیعت می‌داند. این جامعیت و ارتباطات برای هیچ‌کس در هستی به‌جز انسان میسر نشده است.

حقیقه الحقایق را تعین اول نیز می‌گویند؛ زیرا تعین اول جامع همه تعینات دیگر و جامع حقایق ممکنات و اعیان ثابت است. البته برای ذات حق نیز لفظ حقیقه الحقایق را به کار می‌برند و از آن ذات حقیقه الحقایق وجودی را متوجه می‌شویم؛ ولی در اینجا منظور از حقیقه الحقایق علمی در اعیان ثابت است. تقدیر همه موجودات مشخص شده است و چگونگی این تقدیرات و احاطه به

آنها از دسترس انسان خارج است؛ فقط خداوند است که گاهی برای بندگانش گوشه‌هایی از مقدرات اعیان ثابتة را در شکل خواب با مکاشفه یا خلسه به آنها نشان می‌دهد و این از نعمت‌های خداوند بر بندگانش است. انسان کامل با اتصال به منبع حقیقة الحقایق به اعیان ثابتة همه موجودات در ملکوت اعلی و سفلی و عالم ناسوت دسترسی می‌یابد. این احاطه علمی^۵ زمان و مکان را نیز درمی‌نوردد و شامل گذشته و آینده و حال نیز می‌شود. آدم به نیابت از حضرت حق و در مقام خلیفگی، حافظ خزانة اسرار الهی است. اطلاع از مقدرات اعیان ثابتة ممکن است به‌طور فردی و یا جمعی باشد؛ مانند حوادثی که برای یک فرد و یا برای یک شهر و یا کشور رخ می‌دهد. پس انسان به اذن خداوند می‌تواند مقداری از عین ثابت خود و یا دیگری را مشاهده کند. این اطلاع غیبی بر پایه استعداد و روشنی و کدورت دل‌ها متفاوت است. ابن عربی انبیاء و رسولان و اولیاء را واقفان سرّ قدر می‌داند که در میان خودشان مراتبی دارند. او خاتم انبیاء و خاتم اولیاء را دارای مقام بالایی می‌داند؛ به گونه‌ای که دیگر انبیاء و اولیاء از مشکات این دو نفر بر سرّ قدر آگاه می‌شوند (همان، ۱۳۸۹: ۶۳۳).

عارف در سیر صعودی خود به مرحله‌ای می‌رسد که به عین ثابت خود و دیگران قدرت شهود می‌یابد و همه مقدرات عین ثابت را می‌نگرد؛ علم عارف به احوال و اعیان تا قبل از این مرحله به صورت اجمالی و در قالب مکاشفه و واقعه و خواب بوده است؛ ولی در این مرحله علم تفصیلی به احوال و وجودی قبل از تحقق در خارج، به وسیله شهود اعیان ثابتة در حضرت علمیه برای عارف به دست می‌آید (همان، بی تا، ج ۳: ۲۵۷).

علامه طباطبایی^(۶) در *المیزان* روایتی را از تفسیر عیاشی نقل می‌کند که «علی بن الحسین همواره می‌گفت: اگر آیه‌ای از کتاب خدا نبود هرآینه شما را به آنچه که بوده و آنچه که تا قیامت خواهد شد خبر می‌دادم پرسیدم کدام آیه؟ فرمود: آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۵۲۱). براساس این دست روایات، ائمه و پیامبر^(ص) بر اعیان ثابتة گذشتگان و آیندگان قدرت شهود دارند. پیش‌بینی‌های آخرالزمانی دسته‌ای از این روایات است که حوادث آینده جهان را براساس اعیان ثابتة افرادی که هنوز خلق نشده‌اند، بازگو می‌کند.

قیصری در شرح فصوص در این باره می‌نویسد: «حقیقت ولایت کلیه، حاکم بر جمیع اسماء است و عین ثابت کَمَل، سمت سیادت بجمیع اعیان ثابتة ممکنات را دارد، بلکه مقام واحدیت، ناشی از تجلی حق در عین ثابت حقیقت محمدیه «ص» است» (ابن عربی، ۱۳۷۲: ۳۵۳). شهود

اعیان ثابت‌ه و علم به حقیقت اشیاء یکی از لوازم خلیفه‌اللهی است؛ زیرا هدایت بدون علم به استعدادها و حقیقت و آینده موجودات به شکل کامل صورت نمی‌گیرد. تفاوت علم انسان کامل به اعیان ثابت‌ه با خداوند در آن است که انسان کامل در مرتبه واحدیت و پس از تعیین علمی اعیان ثابت‌ه آنها را به اذن خداوند مشاهده می‌کند؛ اما این اعیان قبل از مرتبه واحدیت معلوم حق بوده‌اند و همچنین دخل و تصرف در مقدرات این اعیان ثابت‌ه نیز در اختیار پروردگار است.

۵- رابطه تأویلی اعیان ثابت‌ه با اعیان خارجی

فهم صحیح قرآن بر پایه نیت خداوند همیشه دغدغه اساسی عارفان مسلمان از جمله ابن عربی بوده است. شلایر ماخر، پدر علم هرمنوتیک مدرن، به ذهنیت خاص مؤلف و قصد و نیت نویسنده بسیار اهمیت می‌دهد. از نظر او کلام نسبتی دوسویه با کل زبان و با مجموعه تفکر گوینده دارد؛ در نتیجه برای فهم کلام باید آن را امری برآمده از زبان و همچنین امری واقع در تفکر گوینده دانست (پالمر، ۱۳۸۴: ۹۹). این نظریه هرمنوتیک به سبب اهمیت به عنصر زبان با نظریه زبانشناسی شناختی تناظر دارد. ابن عربی مانند شلایر ماخر و دیلتای همواره به دنبال آن بوده است که به فهم مفاهیم قرآنی بر اساس نیت نازل‌کننده آن دست یابد. این دیدگاه ابن عربی برعکس نظریه‌های فیلسوفانی مانند هایدگر و گادامر است؛ زیرا آنان معتقدند مخاطب با پیش فرض‌های خود به سراغ متن می‌رود؛ در نتیجه فهم نیت مؤلف را غیرممکن می‌دانند. در حقیقت شخصی مانند گادامر مکالمه میان دو افق متن و تأویل را مستلزم مکالمه دو افق گذشته (مؤلف و متن) و افق حاضر (مفسر و تفسیر) می‌داند (واینسهایمر، ۱۳۸۱: ۳۵). از این روش که برخلاف عقیده ابن عربی است با عنوان هرمنوتیک فلسفی و یا مفسر محوری یاد می‌شود. ابن عربی در فتوحات به سبب مخالفت با تأویل مفسر محور که قصد و نیت گوینده را نادیده می‌گیرد، بر اهل تأویل که به گمان او فلاسفه و متکلمان هستند، می‌تازد (ابن عربی، بی تا، ج ۲: ۴۰۷)؛ ولی در مجموع با پذیرش درک معانی باطنی برای عارفان و اهل کشف، اصطلاح «اشارات» را برای تأویل صحیح به کار می‌برد (همان، ج ۱: ۲۷۹). آیاتی از قرآن به حقایق ماورای این عالم می‌پردازد که فهم بسیاری از این حقایق و معارف نیازمند تفسیر و تأویل آنهاست. با دقت در متون تأویلی و تفسیری عارفان مسلمان مشخص می‌شود که آنان با استفاده از هرمنوتیک روشی (غیرفلسفی) به دنبال دستیابی به مراد و پیام مؤلف

قرآن هستند (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۰). اختیار انسان در اعیان خارجی برای تغییر سرنوشت، از منظر شناختی به اختیار خداوند در تغییر مقدرات در اعیان ثابتة برمی‌گردد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) و ارتباط دوسویه‌ای بین آنها برقرار می‌شود. این تغییر رفتار ابتدا توسط انسان و با اختیار انسان صورت می‌گیرد و خداوند نیز در مقدرات انسان به سبب تغییر رفتار او تغییر ایجاد می‌کند. ابن عربی با استفاده از هرمنوتیک روشی به دنبال کشف حقیقت روابط هستی از دیدگاه خداوند است. متن قرآن راهنمای انسان به قصد گویندهٔ آن است. ازسوی دیگر به نظر ابن عربی تمام هستی مانند متنی است که با کاوش در این متن (اعیان خارجی) می‌توان به نیت آفریننده (اعیان ثابتة) دست یافت.

زیان‌شناسی شناختی نیز یکی از رویکردهای مطالعهٔ زبان است که رابطهٔ زبان و ذهن انسان را بررسی می‌کند. این رویکرد زبان را بازتاب اندیشه و ویژگی‌های ذهن گوینده معرفی می‌کند. از نظر این دانشمندان مطالعهٔ زبان مطالعهٔ افکار ذهن گوینده و الگوهای مفهوم‌سازی آن است. برپایهٔ تطبیق آراء ابن عربی با نظریه‌های شناختی می‌توان تحلیلی مناسب برای فهم بهتر نظریهٔ اعیان ثابتة به دست آورد. زبان‌شناسان شناخت‌گرا زبان را ابزاری برای سامان‌بخشی و پردازش اطلاعات ذهن انسان می‌دانند. هنگامی که کاربران زبان موقعیتی را توصیف می‌کنند، زبان‌شناسان شناخت‌گرا به بررسی چگونگی ساماندهی و مفهوم‌سازی اطلاعات ذهن افراد در توصیف آن موقعیت می‌پردازند (قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۴۴). زبان در این دیدگاه بازتاب‌کنندهٔ مستقیم شناخت و ساختار مفهومی ذهن به دنیای خارج از ذهن است و از این طریق می‌توان به ماهیت و ساختار افکار ذهن انسان پی برد (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۷). برپایهٔ تطبیق این نظریهٔ شناختی با آراء ابن عربی، مخلوقات و اعیان خارجی مانند زبان، ابزار تحلیل مناسبی برای بازتاب و درک مفاهیم کلی و ساختار عالم اعیان ثابتة است. درواقع فیض مقدس در همان جهت فیض اقدس که ظهور علمی اسم‌های خداوند بود، ظهور عینی و وجودی نام‌های خدای سبحان است و به واسطهٔ فیض اقدس، اعیان ثابتة و استعداد‌های اصلی آنها در مرتبهٔ علم (تعین ثانی) حاصل می‌شود و به واسطهٔ فیض مقدس، همان اعیان همراه با لوازم و توابعشان در عالم خارج حاصل می‌شوند. درواقع پیوند محکمی بین اعیان ثابتة در صقع ربوبی و اعیان خارجی وجود دارد که اگر بخواهیم به شناخت اعیان ثابتة برسیم باید به بررسی اعیان خارجی بپردازیم. از این منظر، صفات الهی در خلقت موجودات منعکس شده است و بنابراین

برخی عارفان مانند ابن عربی بدون تعیین شرایط و محدوده، عالم هستی و انسان را آینه تمام‌نمای صفات حق تعالی در نظر گرفته‌اند. بر این اساس صفات حضرت حق به‌عنوان مفاهیم در عوالم دیگر نمود عینی یافته است و رابطه دوسویه زبان و مفاهیم ذهنی درباره اعیان ثابت و اعیان خارجی نیز برقرار است. ابن عربی واژه‌های قرآن را به‌مثابه دیگر اندیشه‌های خود دارای دو رو می‌داند؛ از این رو که از آغاز و ازل در علم خداوند بوده‌اند، قرآن را قدیم می‌داند و از این نظر که قرآن در چهره پدیده‌های جهان پدیدار شده، حادث است (ابوزید، ۱۳۸۶: ۳۰۰). پس قرآن نیز در اندیشه ابن عربی مانند انسان و هستی جامع حدوث و قدم و ظاهر و باطن است. در واقع در جهان‌شناسی ابن عربی قرآن و هستی و انسان همگی سخن خدا هستند که با امر «کن» به وجود آمده‌اند و همه آنها ارتباط فعال و پیوسته‌ای با اعیان ثابت دارند.

۶- نتیجه‌گیری

عین ثابت شیء و وجود در مرتبه علم الهی است که به‌واسطه خطاب ارادی خداوند تحقق خارجی می‌یابد؛ اما ارتباط عین ثابت و وجود خارجی در اینجا پایان نمی‌یابد. مقدرات خداوند برای موجودات برپایه علم او به اشخاص و اشیاء تعلق می‌گیرد که ما در این تحقیق عنوان «شیئیت ثبوتی معین القدر» را برای آن برگزیدیم؛ همچنین قدر نیز به دو نوع محتوم و غیرمحتوم تقسیم شد. هر وجودی براساس استعداد و قابلیت و تلاشی که انجام می‌دهد، شایسته دریافت مقدراتی غیرمحتوم مانند طول عمر یا کوتاهی عمر، گسترش روزی یا تنگی روزی و ... می‌شود. علم خداوند به سرنوشت هرکس اعم از هدایت‌یافتگان و گمراهان در اعیان ثابت موجود است که این نظر به جبر نیز نمی‌انجامد؛ زیرا نقص و کمال اعیان ثابت به سبب درخواست آنها به زبان حال و استعداد از خداوند است. درحقیقت خداوند مبدأ فیض و عنایت و استجاب برای سؤال و درخواست موجودات در فیض اقدس و فیض مقدس است. اعیان ثابت قبل از خلقت، از خداوند برای ظهور خود و ویژگی‌های خود به زبان حال سؤال می‌کنند. پس از خلقت نیز با انتخاب‌های خود و با زبان حال و همچنین با زبان قال از خداوند به مقتضای استعداد قابلیت خود تقاضای سعادت و یا شقاوت را دارند و خداوند نیز براساس اسم مصل و هادی خود بر آنها افاضه می‌کند و به آنها یاری می‌رساند. برپایه آیات و روایات، مقدرات در عین ثابت نسبت به عالم عینی

به صورت اجمالی و غیرمفصل موجودند؛ ولی در شب قدر صورت تفصیلی این مقدرات مشخص می شود. اسم جامع «الله» نخستین و کلی ترین اسم خداوند است که در تعیین ثانی ظهور می کند و حقیقت محمدیه صورت این اسم جامع است؛ بنابراین همان گونه که اسم الله بر همه اسماء الله فیض و استمداد و احاطه دارد، حقیقت انسان کامل نیز قدرت شهود و فیاضیت و سیادت بر اعیان ثابتة را داراست. لازمه هدایتگری جامع و مانع خلیفه خداوند اطلاع از استعداد و اقتضای ذاتی انسانها و شهود عین ثابت آنهاست. ابن عربی با استفاده از هرمنوتیک روشی به دنبال درک متن قرآن است؛ به نظر او همه هستی مانند قرآن متنی است که با کاوش در این متن (اعیان خارجی) می توان به نیت آفریننده (اعیان ثابتة) دست یافت.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۷۰). شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، ترجمه سید جلال آشتیانی تهران: سپهر.
- ۳- ----- (۱۳۸۹). فصوص الحکم، درآمد، برگردان متن، توضیح و تحلیل محمدعلی موحد، تهران: کارنامه.
- ۴- ----- (بی تا). الفتوحات المکیه، ۴ ج، بیروت: دار صادر.
- ۵- ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۶). چنین گفت ابن عربی، ترجمه سید محمد راستگو، تهران: نی.
- ۶- ایرجی نیا، اعظم؛ حسنی، زهرا (۱۳۹۷). «بررسی اعیان ثابتة و صور مرتسمه همراه با نقد ایرادات ملاصدرا به صور مرتسمه»، پژوهش های فلسفی کلامی، شماره ۷۵، ۱۵۲-۱۳۵.
- ۷- بدری، رقیه (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی ثبوتات ازلی در نزد معتزله، صور مرتسمه در نزد ابن سینا و اعیان ثابتة در نزد ابن عربی (پایان نامه)، استاد راهنما: منصور ایمانیپور، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- ۸- پالمر، ریچارد (۱۳۸۴). علم هرمنوتیک، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.
- ۹- جهانگیری، محسن (۱۳۵۹). محی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران: دانشگاه تهران.

- ۱۰- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). *مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ۱۱- راسخ مهند، محمد (۱۳۹۳). *درآمدی بر زبان‌شناختی شناختی*، تهران: سمت.
- ۱۲- رجبی، محمود (۱۳۸۳). *روش تفسیر قرآن*، قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- ۱۳- رحیمیان، سعید (۱۳۷۶). *تجلی و ظهور در عرفان نظری*، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- ۱۴- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵). *دانشنامه امام علی*، ج ۲، مبدأ و معاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- ۱۵- سهیلی، حسین (۱۳۹۲). *اعیان ثابته از دیدگاه ابن عربی و امام خمینی (س)* (پایان نامه)، استاد راهنما: فاطمه طباطبایی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- ۱۶- شجاری، مرتضی (۱۳۷۹). «اعیان ثابته از دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۶۷، ۶۵-۵۵.
- ۱۷- شجاع تقی آباد، سمیه (۱۳۹۰). *اعیان ثابته در آثار شبستری* (پایان نامه)، استاد راهنما: بتول مهدوی، بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- ۱۸- صادقی ارزگانی، محمدامین (۱۳۸۲). *انسان کامل از نگاه امام خمینی رحمه الله و عارفان مسلمان*، قم: بوستان کتاب.
- ۱۹- صدرالدین قونوی، ابوالمعالی محمد بن اسحاق (۱۳۷۱). *کتاب الفکوک یا کلید اسرار فصوص الحکم*، مقدمه و تصحیح و ترجمه محمد خواجه‌جوی، تهران: مولی.
- ۲۰- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۵). *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۵ ج، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
- ۲۱- فناری، محمد بن حمزه (۱۳۶۳). *مصباح الانس*، تهران: فجر.
- ۲۲- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۳- قیصری، محمدداوود (۱۳۷۵). *شرح فصوص الحکم*، به کوشش سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: علمی فرهنگی.
- ۲۴- کاکائی، قاسم (۱۳۸۱). *وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت*، تهران: هرمس.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰). *اصول کافی*، ۵ ج، ترجمه حسین استادولی، تهران: دارالثقلین.

رابطه اعیان خارجی و اعیان ثابتة بر پایه نظریه ابن عربی / ۴۵

- ۲۶- معظمی گودرزی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اعیان ثابتة نزد ابن عربی با آیات و روایات (پایان نامه)، استاد راهنما: علی اکبر نصیریان، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۲۷- وایسنهامر، جوئل (۱۳۸۱). هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.

